

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

تعدد همسران پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

تهیه شده در: «رد شبهات ملحدین»

تعدد همسران پیامبر اکرم

–صلی الله علیه وسلم–

تهیه شده در: «رد شبهات ملحدین»



no-atheism.net

@no_atheism

islamway1434

asteira



[معترضان مغرض] می‌گویند:

«محمد مردی شهوتران بود... که به دنبال شهوات و لذات زندگی... و همراه با هوای نفس خویش گام بر می‌داشت. او هرگز همان‌گونه که بر اتباع خود فرض نموده بود بر یک زن و یا چهار زن اکتفا نکرد.. بلکه ده بار و یا بیشتر ازدواج کرد تا شهوت خویش را سیراب سازد».

آری از افرادی کینه‌توز و دروغ پرداز به جز این سخنان چه انتظاری می‌توان داشت. محمد ﷺ هرگز مردی شهوتران نبود او رسول انسانیت بود مانند همه افراد بشر ازدواج می‌کرد تا همراه با رفتار و کردار خود برای دیگران الگو باشد. او هرگز آن‌گونه که نصاری در مورد پیامبر اکرم ﷺ خود می‌پندارند اله و یا فرزند اله نبوده است. بلکه بشری بوده همانند همراهانش که خداوند او را به وحی و رسالت خویش بر دیگران برتری داده بود: ﴿قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ﴾ [فصلت: ۶]. معنی: «بگو همانا من بشری همانند شما هستم که به من وحی می‌شود».

در اینجا دو نکته اساسی وجود دارد که هر گونه شبهه را از پیامبر بزرگوار رفع نموده و دهان هر افترا زننده یاوه گو که بخواهد به حرمت این رسول بزرگ انسانیت محمد بن عبدالله ﷺ دست‌درازی کند را می‌بندد. هرگاه بخواهیم از امهات المومنین و حکمت تعدد زوجات پیامبرگرامی ﷺ سخن بگوییم باید همواره این دو نکته را مدنظر داشته باشیم.

اولاً: تعدد زوجات پیامبر اکرم ﷺ در پیری و هنگامی که سال‌های عمر او از پنجاه گذشته بود انجام گرفت.^۱ ثانیاً: تمامی زنان طاهره و ثیبات (بیوه) بودند، مگر ام المومنین عایشه که دوشیزه بود و تنها همسر پیامبر ﷺ بود که در حال جوانی و دوشیزه با ایشان ازدواج کرد.^۲

در نتیجه به راحتی می‌توان از نکات فوق الذکر پوچی این تهمت و بطلان آن ادعا را که مستشرقین حاقد و کینه‌توز به ایشان الصاق نموده‌اند ثابت نمود. چون اگر منظور از این ازدواج‌ها شهوترانی و هوی‌پرستی می‌بود ایشان در سن جوانی و نه در سن سالمندی و پیری و آن هم با دوشیزگان کم سن و سال و نه بیوه‌های سالمند ازدواج می‌نمود.

آن بزرگوار راه و رسم را می‌داند، پس برای کسی که هدفش خوشگذرانی و شهوترانی است آیا عاقلانه و معقول است که دوشیزگان باکره را رها نموده و پس از دوران جوانی و پای گذاشتن در سن پیری به ازدواج با زنان بیوه راضی گردد؟

۱- ر.ک: فقه السیره - محمد الغزالی، ص ۴۳۵؛ السیره النبویه لأبی الحسن الندوی، ص ۵۴۷؛ فقه السیره النبویه - البوطی، ص ۵۳؛ السیره النبویه - الصلابی، ص ۶۴.

۲- صحیح البخاری، ج ۶، ص ۱۰۶؛ صحیح ابن حبان، ج ۱۶، ص ۸؛ صحیح ابن ماجه، ج ۱، ص ۷۰۹۶؛ المستدرک علی الصحیحین للحاکم، ج ۴، ص ۱۴؛ ح ۶۷۴۳.

و همه می دانیم که صحابه ایشان به یک اشاره او هستی و زندگی خود را فدای ایشان می کردند، و اگر آن بزرگوار ج طلب ازدواج دختری را از آن‌ها می کرد، هیچکدام از صحابه از این تقاضای او روی برنی گرداند، و بهترین و زیباترین دوشیزگان را به ازدواج او در می آوردند. پس چرا ایشان در آستانه جوانی دست به تعدد زوجات نزد، و با کناره گیری از دختران جوان به ازدواج با زنان بیوه اقدام نمود؟ می بینیم که همه این مسائل با قوت تمام هرگونه افترا و گزافه گویی را از ایشان دور نموده و تارهای شبهه و بهتان را از اطراف آن بزرگوار می زداید، و دهان یابوہ گویان و افکان را می خواهند مقام مقدس آن حضرت را مشوه نموده، و اعتبار پاک و طاهر ایشان را خدشه دار کنند به سختی تمام می بندد. آری ازدواج‌های پیامبر اکرم ﷺ هرگز به قصد هواپرستی و شهوترانی نبود، بلکه این پیوندها حکمت‌هایی جلیل، و اهداف و غایاتی ارزشمند و نبیل در برداشت که دشمنان در صورتی که بتوانند تعصب کور را کنار گذاشته، و منطق، عقل و وجدان را جایگزین آن کنند به جلال آن اقرار نموده و به عظمت آن معترف می گردند. و آنگاه است که می توانند با دیدگانی خالی از غل و غش، «الگوی ایثار و پرهیزکاری» را در انسانی فاضل و کریم و رسولی بزرگوار و رحیم ببینند که در راه مصلحت دیگران، و مصلحت دعوت و اسلام، راحتی و آسایش خود را به آسانی فدا می کند.

مسئله تعدد زوجات رسول الله ﷺ دارای حکمت‌هایی است که می توانیم آنان را در عناوین چهارگانه زیر خلاصه کنیم:

- اولاً: حکمت تعلیمی.
- ثانیاً: حکمت تشریحی.
- ثالثاً: حکمت اجتماعی.
- رابعاً: حکمت سیاسی.^۱

حکمت تعلیمی

این حکمت هدف اساسی تعدد زوجات رسول الله ﷺ را تشکیل می دهد چون ایشان بدین وسیله توانستند برای زنان معلمانی تربیت کنند که احکام شرعی را به آن‌ها بیاموزند. چون همان گونه که می دانیم نصف هر مجتمعی از زنان تشکیل شده، و بر آنان نیز همانند مردان تکالیفی فرض شده است. و بسیاری از زنان از پرستش بعضی از امور شرعی، بخصوص مسائلی که به زنان تعلق داشت همانند احکام حیض، نفاس، جنایت و مسائل زناشویی و دیگر احکام، از پیامبر اکرم ﷺ خجالت می کشیدند. و بسیار مشکل بود که

۱- ر.ک: شبهات و اباطیل پیرامون تعدد همسران پیامبر، محمد علی صابونی، (قاهره: ۱۹۸۰م)، صص ۷ - ۱۲.

یک زن بر حیای خود غلبه نموده و این مسائل را از پیامبر بزرگوارمان سوال کند و می‌دانیم که در بعضی اوقات این امر اتفاق می‌افتاد.

و در مقابل، رسول الله ﷺ قرار داشت که در اخلاق خود به حیاء کامل آراسته بود، و بر طبق روایت‌های کتاب‌های سنت حیاء و شرم او از حیاء دوشیزه‌ای که در چادر خود پنهان شده بیشتر بود «أشد حیاء من العذراء فی خدرها»^۱

در نتیجه ایشان نمی‌توانست به همه سوالاتی که از سوی زنان متوجه او می‌گردید با صراحت کامل پاسخ گوید. و این باعث می‌شد که جواب خود را به صورت کنایه بیان کند، که در این صورت نیز منظور ایشان در بعضی از اوقات توسط زنان فهم و درک نمی‌شد. بانو عایشه رضی الله عنها روایت می‌کند که روزی یکی از زنان انصار در مورد چگونگی غسل حیض از پیامبر اکرم ﷺ پرسش نمود. و ایشان چگونگی غسل را برای او بیان کرد، و گفت: «قطعه‌ای پارچه معطر بگیر و با آن خود را تمیز کن». و زن پرسید: «چگونه با آن خود را تمیز کنیم؟»

و رسول الله ﷺ جواب داد: «با آن خود را تمیز کن».

و زن گفت: «ای رسول خدا چگونه با آن خود را تمیز کنم؟»

و ایشان فرمود: «سبحانه الله با آن خود را تمیز کن».

بانو عایشه رضی الله عنها ادامه می‌دهد که: «دست او را گرفته و بسوی خود کشیدم و به او گفتم که: آن را در کدام مکان بگذار، و آثار خون را با آن پاک کن، و با صراحت تمام مکان آن را برای آن زن شرح دادم».^۲ پس می‌بینیم که چگونه ایشان از بیان صریح این مسائل خجالت می‌کشیدند و در مقابل نیز عده قلیلی از زنان بودند که می‌توانستند بر شرم و حیای خود غلبه نموده، و به صورت آشکار و بی‌پرده سوال خصوصی خود را از پیامبر اکرم ﷺ بپرسند.

و این‌گونه سوالات ناخوشایند همواره وجود داشتند که بعدها همسران طاهره پیامبر اکرم ﷺ مسئولیت جواب دادن آنان را به عهده گرفتند. و به همین دلیل بانو عایشه رضی الله عنها می‌فرماید: «خداوند زنان انصار را پیامرزد. چون هرگز حیا و خجالت باعث جلوگیری از فقیه شدن آنان در دین نگشت».^۳

و برخی از این زنان در تاریکی و به هنگام شب نزد ام‌المومنین عایشه می‌آمدند تا در مورد برخی از امور دین و احکام حیض و نفاس و جنایت و دیگر امور از او سوال کنند. آن‌ها همسران پیامبر اکرم ﷺ را بهترین آموزگاران می‌یافتند که می‌توانستند آنان را توجیه نموده، و از طریق آنان زنان بسیاری در دین خداوند

۱- صحیح البخاری، ج ۴، ص ۱۹۰ ح ۳۵۶۲؛ صحیح مسلم، ج ۴، ص ۱۸۰۹ ح ۲۳۲۰.

۲- صحیح البخاری، ج ۱، ص ۷۰ ح ۳۱۴؛ صحیح مسلم، ج ۱، ص ۲۶۰ ح ۳۳۲.

۳- صحیح البخاری، ج ۱، ص ۳۸؛ صحیح مسلم، ج ۱، ص ۲۶۱ ح ۳۳۲.

فقیه گشتند. و نیز بر همگان آشکار است که سنت مطهر فقط و فقط به سخنان آن حضرت ﷺ محدود نمی‌شود. بلکه سنت عبارت است از قول، فعل و تقریر ایشان و همه این مسائل تشکیل دهنده شرعی هستند که اتباع آن بر همه امت واجب می‌باشد.

در نتیجه باید پرسید: چه کسی به جز همسران او که خداوند آنان را تکریم نموده و امهات المومنین لقب یافته‌اند^۱ و در دنیا و آخرت همسران رسول الله ﷺ خواهند بود می‌تواند افعال و اخبار آن بزرگوار را برای ما نقل کند؟ و بدون شک فضل و تمجید در نقل جمیع احوال، افعال و حرکات منزلی آن حضرت ﷺ به همسران او بر می‌گردد. و این چنین بود که آن همسران گرامی به معلمان و محدثانی تبدیل شدند که سنت و طریقت رسول خدا ﷺ را نقل و نشر نموده، و به قدرت حفظ، نبوغ و ذکاوت مشهور و زبانزد خاص و عام شدند.^۲

حکمت تشریحی

حکمت تشریحی یکی دیگر از دلایل تعدد زوجات پیامبر اکرم ﷺ می‌باشد؛ این حکمت امری نمایان است و به راحتی تمام، می‌توان آن را درک نمود. و سبب آن از بین بردن و ابطال برخی از عادات ناخوشایند دوران جاهلیت بود. به‌عنوان مثال در این باب می‌توان از بدعت فرزند خواندگی (تبنی) که در مجتمع جاهلیت قبل از اسلام رایج بود نام برد. این مسئله به صورت عادت و بهتر بگوییم دینی موروثی در آمده بود که جدا شدن از آن به سادگی امکان نداشت. یک شخص از آنان پسری را که از صلب و تیره‌اش نبود به فرزند خواندگی می‌پذیرفت، و در این تبنی او را فرزند حقیقی خود می‌خواند که با فرزندان حقیقی و نسبی‌اش از لحاظ نسب در یک ردیف قرار داشت و از لحاظ میراث، طلاق، ازدواج و محرم شدن و همه امور دیگر با آنان هیچ‌گونه فرقی نداشت. و این مسئله بصورت دینی تقلیدی در آمده بود که در تمامی جامعه جاهلیت اعمال می‌شد. و حتی شخص به فرزند خوانده‌اش می‌گفت: «تو پسر من هستی از تو ارث می‌برم و از من ارث خواهی برد.»^۳

اسلام هرگز دینی نبود که در مقابل این عمل و هر عمل باطلی خاموش بنشیند و آنان را در حالی که در تاریکی‌های جهل دست و پا می‌زدند به حال خود رها کند. در نتیجه خداوند برای ریشه کن شدن این عادت ناخوشایند راه را آماده نمود رسول خدا ﷺ «زید بن حارثه» را بر طبق همان عادت عرب قبل از اسلام به فرزند خواندگی پذیرفتند.

۱- ر.ک: احزاب: ۶: ﴿... وَ أَزْوَاجُهُ أُمَّهَاتُهُمْ﴾

۲- ر.ک: رفع شبهات و ابطال پیرامون تعدد همسران پیامبر، محمد علی صابونی، صص ۱۳ - ۱۸.

۳- ر.ک: المفصل فی تاریخ العرب قبل الإسلام - جواد علی، ج ۱۰، ص ۲۳۱.

این ماجرا یعنی تنبی زید بن حارثه توسط پیامبر اکرم ﷺ یکی از زیباترین ماجراهای زندگی ایشان بوده که مفسران و سیرت نویسان آن را در کتاب‌های خود ذکر کرده‌اند و سرشار از حکمت می‌باشد که ذکر آن به علت عدم وسعت مجال در اینجا مقدور نیست. و این چنین بود که زید بن حارثه به فرزند خواندگی آن حضرت ﷺ در آمد و از آن روز همه مردم او را «زید بن محمد» می‌خواندند. عبدالله بن عمر رضی الله عنهما می‌گوید: زید بن حارثه رضی الله عنه در خدمت رسول الله ﷺ بود و ما او را به جز «زید بن محمد» به نام دیگری نمی‌خواندیم، تا اینکه این عبارات قرآن [در سوره احزاب آیه ۵] نازل شد: «آنان را بنام پدرانشان بخوانید که این نزد خداوند عدل و نیکویی است.»^۱ در نتیجه پیامبر ﷺ به زید فرمودند: «أنت زید بن حارثة بن شراحیل»: «تو زید پسر حارثه پسر شراحیل هستی». و ایشان دختر عمه خود «زینب بنت جحش الاسدیة» را به همسری او در آورد، و مدتی را با او زندگی کرد، اما دیری نپایید که روابط زناشویی آنان رو به تیرگی گذشت. و سرانجام، زید رضی الله عنه، زینب رضی الله عنها را طلاق داد، و خداوند به پیامبر اکرم ﷺ دستور داد تا با زینت رضی الله عنها ازدواج کند تا بدعت فرزند خواندگی و شالوده جاهلیت از بیخ و بن کنده شده و اساسی اسلامی بجای آن بنشیند.^۲

اما پیامبر ﷺ از زبان منافقین و فاجران می‌ترسید که مبادا در مورد او سخن گفته و بگویند: «محمد با زن پسر خود ازدواج کرد». در نتیجه ایشان این مسئله را به تأخیر می‌انداخت تا اینکه از سوی خداوند عتابی بر رسول الله ﷺ وارد شده که این بود: «و از سخنان و عیب‌گویی مردم می‌ترسی، حال آنکه خداوند سزاوارتر است که از او بترسی، پس ما هم چون زید آن زن را طلاق داد، او را به ازدواج تو در آوردیم، تا پس از این مؤمنان در ازدواج با زنان پسر خوانده‌های خود که آن‌ها را طلاق داده‌اند احساس شرمندگی و ناراحتی نکنند، و آنچه را که تعالی بخواهد صورت می‌پذیرد» [احزاب: ۳۷]. و به این شکل بود که حکم تنبی ریشه کن شده، و همه عادات موروثی جاهلیت که رفته رفته در جامعه جامه تقدیس به تن کرده بود و از آن هیچ گریز گاهی نبود باطل گشت و در اثبات این شریعت جدید الهی، این آیات خداوند نازل گردید: «محمد پدر هیچکدام از مردان شما نیست، اما او رسول خداوند و خاتم النبیین است و خداوند بر همه چیز آگاه است» [احزاب: ۴۰].

و این ازدواج به امر خداوند انجام گرفت و آنگونه که دروغ‌گویان و تهمت‌زنان و دشمنان خداوند می‌گویند، هیچ انگیزه شهوانی و هوا جویانه در پشت سر نداشت، بلکه این ازدواج در جهت غرضی نبیل و هدفی شریف به وقوع پیوست که همان ابطال عادات و تقلید جاهلیت بود. و خداوند غرض از این ازدواج را این‌گونه عنوان می‌دارد: «تا پس از این، مؤمنان در ازدواج با زنان پسر خوانده‌های خود که آن‌ها را طلاق

۱- صحیح البخاری، ج ۶، ص ۱۱۶ ح ۴۷۸۲؛ صحیح مسلم، ج ۴، ص ۱۸۸۴ ح ۲۴۲۵.

۲- السیرة النبویة الصحیحة - أكرم ضياء العمری، ج ۲، ص ۶۵۱.

داده‌اند بر خود گناه و سختی نبینند» [احزاب: ۳۷]. و بخاری رحمته در صحیح خود از بانو زینب رضی الله عنها روایت می‌کند که ایشان به این ازدواج بر سایر زنان رسول الله صلی الله علیه و آله افتخار نموده و به ایشان می‌گفت: «که شما را خانواده‌هایتان به ازدواج در آوردند، اما ازدواج من به امر خدا از بالای هفت آسمانش بود.»^۱ این ازدواج به امر خداوند حکیم و برای اثبات شرعی نوین بود.^۲

حکمت اجتماعی

حکمت دیگر تعدد زوجات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را که همان حکمت اجتماعی است، می‌توان به وضوح از خلال ازدواج ایشان با دختر ابوبکر صدیق رضی الله عنه، و سپس ازدواج ایشان با دختر عمر بن خطاب رضی الله عنه دریافت. و می‌بینیم که چگونه پیوند مصاهره (دامادی) و نسب ایشان با قریش، و ازدواج آن بزرگوار با بسیاری از زنان آنان، بین این قبایل پیوندی ناگسستگی به وجود می‌آورد، و باعث می‌شود تا همه قلب‌ها با ایمان، تعظیم و اجلال تمام، حول او و دعوتش گرد آیند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با بانو عایشه رضی الله عنها دختر عزیزترین و محبوب‌ترین اشخاص نسبت به وی یعنی ابوبکر رضی الله عنه ازدواج نمود. ابوبکر رضی الله عنه سردار و پیشتاز مجیدان دعوت اسلام بود که جان و مال خود را در راه نصرت دین خداوند و دفاع از رسول صلی الله علیه و آله او تقدیم کرده بود، و انواع آزار و اذیت را در راه اسلام متحمل شده بود.^۳ تا جایی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در فضل ابوبکر رضی الله عنه فرمودند: «ما لأحد عندنا يد إلا وقد كافيناها ما خلا أبا بكر فإن له عندنا يدا يكافئه الله به يوم القيامة، وما نفعني مال أحد قط ما نفعني مال أبي بكر، [وما عرضت الإسلام على أحد إلا كانت له كبوه إلا أبا بكر فإنه لم يتلعم] ولو كنت متخذا خليلا لا اتخذت أبا بكر خليلا، ألا وإن صاحبكم خليل الله»^۴، یعنی: «هیچ کس بر ما نیکی و احسان نکرد مگر این که نیکی او را جبران کردیم، بجز ابوبکر که احسان و نیکی‌های بیشمار او را خداوند در روز قیامت پاداش خواهد داد، هیچ مالی به اندازه مال ابو بکر به من نفع نرساند، و اسلام را بر هیچ کس عرضه نکردم مگر اینکه در قبول آن متردد بود، بجز ابوبکر که در قبول آن هیچ درنگی نکرد. و اگر قرار بود که من خلیلی برگیرم، همانا ابوبکر را به عنوان خلیل بر می‌گرفتم. ولی بدانید که این صاحب شما خلیل خداوند است»

در نتیجه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این دنیا برای ابوبکر رضی الله عنه هیچ پاداشی را لایق‌تر از این ندید که با دختر او ازدواج نموده، و میان خود و او رابطه دامادی و خویشاوندی به وجود آورد، تا این رابطه بر صداقت و

۱- صحیح البخاری، ج ۹، ص ۱۲۴ ح ۷۴۲۰.

۲- ر. ک: رفع شبهات و ابطال پیرامون تعدد همسران پیامبر، محمد علی صابونی، صص ۱۹ - ۲۳.

۳- الموسوعة فی صحیح السیرة النبویة - محمد إلیاس الفالوذة، ص ۴۱۹؛ سیرة أبی بکر الصدیق - الصلابی، ص ۳۵.

۴- سنن الترمذی، ج ۵، ص ۶۰۹ ح ۳۶۶۱؛ الموسوعة فی صحیح السیرة النبویة - محمد إلیاس الفالوذة، ص ۱۴۴.

پیوند طولانی و ناگسستی آنان بیافزاید. به همین صورت آن بزرگوار، با بانو حفصه رضی الله عنها دختر عمر بن خطاب رضی الله عنه ازدواج نمود که این پیوند پاداشی بر اسلام، صدق، اخلاص، و از خود گذشتگی عمر رضی الله عنه در راه این دین بود. عمر بن خطاب رضی الله عنه همان قهرمان اسلام است، که با مسلمان شدنش خداوند، اسلام و مسلمانان را عزت بخشیده و معالم دین را به اهتزاز در آورد. در نتیجه پیوند پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با او از طریق دامادیش، بهترین پاداشی بود که جانبازی او در راه دین اسلام را جوابگو بوده، و لیاقت او را به اثبات می‌رساند، و این‌گونه بود که ایشان بین عمر و ابوبکر در نیل به این شرف، مساواتی شایسته ایجاد نمود. چون ازدواج ایشان با دختران این دو صحابی بزرگ به منزله شرفی بزرگ، و منت و پاداشی عظیم برای آنان بود که در این دنیا هرگز نمی‌توانست بصورتی زیاتر و بهتر از آن، زحمات آن دو یار را جوابگو باشد. پس چه جلیل است سیاست آن بزرگوار و چه زیباست وفایش به وفاداران مخلص خود. مثال دیگر این سیاست جلیل نبوی را می‌توان در چگونگی تکریم نمودن عثمان بن عفان رضی الله عنه و علی بن ابی طالب رضی الله عنه مشاهده نمود. که ایشان را با تزویج دختران خود به آنان با زیبایی تمام اکرام می‌کند. و این چهار یار، بزرگترین اصحاب ایشان بودند که پس از وفات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله منصب خلافت آن بزرگوار را بدست گرفته و در راه توسعه دین و دعوت اسلامی به پیش تاختند. پس حکمت را بنگریم که چگونه جلوه می‌کند، و آن حکیم را ببینیم که به کجا می‌نگرد.^۱

حکمت سیاسی

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به جهت الفت دادن قلوب و جذب و جمع قبایل بر گرد خود به ازدواج با برخی از بانوان مبادرت نمودند. و آشکار است که ایجاد پیوند زناشویی با زنی از زنان یک قبیله یا عشیره چگونه ارتباطی بین آن قبیله و فرد بوجود می‌آورد، و طبیعتاً فرد می‌تواند از افراد آن قبیله جهت نصرت و حمایت خود دعوت به عمل بیاورد. پس بیایید تا برای این مسئله مثل‌هایی بیاوریم تا غرض از این حکمت نمایان گردد:

- پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با بانو جویریة بنت الحارث رضی الله عنها، سرور بنی مُصطلق ازدواج کرد. بانو جویریة رضی الله عنها همراه با قوم و عشیره خود به اسارت مسلمانان در آمده بود، و پس از اسارت می‌خواست با دادن فدیة خودش را رها سازد، در نتیجه نزد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمده و از ایشان درخواست کمی مال نمود تا بتواند مبلغ فدیة را پردازد و آن حضرت صلی الله علیه و آله به او پیشنهاد نمود که فدیة او را می‌پردازد و با او ازدواج کند و او نیز این پیشنهاد را قبول کرد، و آن بزرگوار با او ازدواج نمود. چون این خبر به گوش مسلمانان رسید اظهار داشتند که: «چگونه خویشان کسانی که پیامبر صلی الله علیه و آله داماد آنان شده است، در اسارت ما باشند؟»

^۱- ر.ک: رفع شبهات و اباطیل پیرامون تعدد همسران پیامبر، محمد علی صابونی، صص ۲۳ - ۲۶.

و نتیجتاً همه اسراء را آزاد کردند. و هنگامی که بنی مُصطلق این بزرگی، شهامت و جوانمردی را از پیامبر اکرم ﷺ و مسلمانان مشاهده نمودند، همگی مسلمان شدند و در زیر لوای این دین خداوندی قرار گرفتند و ایمان خود را نشان دادند.^۱

پس می بینیم که این ازدواج چه برکت بزرگی برای بانو جویریة رضی الله عنها و قوم و عشیره اش به همراه داشت چون این ازدواج سبب اسلام و آزادی همه آنان گردید و بانو جویریة خوش یمن ترین زنان برای قبیله اش بود. از بانو عایشه آمده است که فرمود: رسول خدا ﷺ زنان قوم بنی مُصطلق را به اسارت در آورد، و پس از اخراج خمس، آنان را بین جنگجویان تقسیم نمود و قسمت سواره دو سهم و پیاده یک سهم افتاد و در این ضمن «جویریة بنت حارث» نصیب و قسمت «ثابت بن قیس» گردید. در نتیجه جویریة نزد پیامبر ﷺ آمده و گفت: ای رسول خدا، من جویریة دختر حارث، سرور قوم بنی مُصطلق می باشم و می دانی که چه بر سر من آمده است، و ثابت قیمت آزادی مرا «نُه اوقیه» قرار داده است، پس جهت آزادیم به من کمک کن. و پیامبر ﷺ در جواب فرمودند: «آیا بهتر از آن را می خواهی؟». او جواب داد: آن چیست؟ آن حضرت ﷺ فرمودند: «همه مبلغ مذکور را من می پردازم و با تو ازدواج می کنم». بانو هم جواب داد: «بلی ای رسول خدا». و رسول الله ﷺ فرمودند: «پس تمام است و من این کار را کردم». و این خبر بزودی میان مردم پخش شد و گفتند: چگونه خویشان رسول خدا در اسارت ما باشند؟ در نتیجه همه زنان بنی مُصطلق را که در اسارت داشتند آزاد نمودند که تعداد آن ها به صد خانواده می رسید. و همه این امور به یمن ازدواج پیامبر ﷺ با دختر رهبر قوم بنی مُصطلق بود.^۲

■ پیامبر اکرم ﷺ با بانو «صفیه بنت حبیب بن اخطب» که پس از قتل شوهرش در غزوه خیبر به اسارت در آمده و در سهم بعضی از مسلمانان افتاده بود، ازدواج نمود، چون اهل رأی و مشورت گفتند: «این زن بانوی بنی قریظه است و فقط شایسته پیامبر ﷺ می باشد». در نتیجه مسئله را به پیامبر اکرم ﷺ پیشنهاد نمودند و ایشان بانو صفیه رضی الله عنها را پیش خوانده و او را در انتخاب میان این دو امر مخیر نمود:

(الف) او را آزاد ساخته و با او ازدواج کند تا همسر او باشد.

(ب) او را آزاد کند تا به اهل و خویشاوندانش پیوندد.

۱- ر.ک: السیرة النبویة الصحیحة - أكرم ضياء العمری، ج ۲، صص ۴۱۳ و ۶۵۱.

۲- صحیح ابن حبان، ج ۹، ص ۳۶۱ ح ۴۰۵۴؛ الصحیح من أحادیث السیرة النبویة - محمد الصویانی، صص ۳۰۶ - ۳۰۷؛ صحیح السیرة النبویة - إبراهیم العلی الشبلی، ص ۲۵۱.

پس بانو صفیه رضی الله عنها امر اول مبنی بر آزادی و ازدواجش با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را انتخاب نمود، که این مسئله به علت جلال منزلت، عظمت و خوشرفتاری آن حضرت بود، در نتیجه ایشان مسلمان شده، و با اسلام او تعداد زیادی از مردم، نیز مسلمان شدند.^۱

روایت می شود هنگامی که صفیه رضی الله عنها نزد رسول الله صلی الله علیه و آله رفت ایشان به او گفت: «پدر تو در بین یهودیان کماکان سرسخت ترین دشمنان من بود، تا اینکه خداوند او را از بین برد. و بانو صفیه رضی الله عنها جواب داد: خداوند در کتابش می گوید: «و هیچکس گناه کس دیگر را بدوش نخواهد کشید» [انعام: ۱۶۴]. پیامبر صلی الله علیه و آله به او گفت: انتخاب کن، اگر اسلام را انتخاب کردی تو را برای خودم نگاه می دارم، و اگر دین یهود را انتخاب کردی ممکن است تو را آزاد کنم تا به قوم خود پیبندی» و او جواب داد: «میل اسلام دارم، و حتی قبل از شنیدن این سخنان نیز، تو را تصدیق کرده بودم، من نه به یهودیت میلی، و نه در آن پدر و برادری دارم. تو مرا مخیر نمودی که بین کفر و اسلام، یکی را انتخاب کنم، پس خداوند و رسول او را بهتر از آزادی و بازگشت بسوی قوم خود می بینم». در نتیجه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله او را نزد خود نگاه داشت.^۲

■ و به همان صورت ایشان با بانو ام حبیبه (رمله بنت ابی سفیان) ازدواج کرد. ابوسفیان در آن زمان از مشرکان بوده، و از سرسخت ترین دشمنان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بشمار می رفت. ام حبیبه رضی الله عنها دختر او در مکه مسلمان شده و همراه با شوهرش برای حفظ دین خود به حبشه مهاجرت کرده بود. و هنگامی که همسرش در آن سرزمین وفات یافت، ایشان تنها و بدور یاور باقی ماند، و هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله از این مسئله آگاه شد، شخصی را نزد نجاشی رضی الله عنه پادشاه حبشه فرستاد تا بانو ام حبیبه رضی الله عنها را به ازدواج ایشان در آورد، و نجاشی این مسئله را به او ابلاغ نمود، و با شنیدن این خبر بانو ام حبیبه رضی الله عنها بسیار شادمان گشت.^۳ چون به علت بی کسی اگر نزد پدرش ابوسفیان باز می گشت، او را مجبور به مرتد شدن و کفر نموده، و یا او را عذاب می دادند پس مهر او را چهارصد دینار به اضافه هدایایی نفیس قرار داد، و هنگامی که به مدینه منوره باز گشت، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با او ازدواج نمود، و چون این خبر به گوش ابوسفیان رسید، به این ازدواج اعتراف کرده و گفت: «او کرمی است که در نجابت و کرامتش خدشه ای وارد نیست.»^۴ ابوسفیان پیامبر صلی الله علیه و آله را موجب افتخار خود می دانست، و هرگز

۱- صحیح ابن حبان، ج ۱۰، ص ۳۹۰ ح ۴۵۳۰؛ مسند ابی یعلی الموصلی، ج ۶، ص ۱۹۴ ح ۳۴۷۹؛ السیره النبویه كما جاءت فی الأحادیث الصحیحة - محمد الصویانی، ج ۳، ص ۲۵۷؛ صحیح السیره النبویه - ابراهیم العلی الشبلی، ص ۳۵۷.

۲- ر.ک: الطبقات الکبری لابن سعد، ج ۸، ص ۱۲۳؛ فقه السیره النبویه - منیر الغضبان، صص ۶۷۱ - ۶۷۲.

۳- ر.ک: السیره النبویه الصحیحة - أكرم ضياء العمرى، ج ۱، ص ۱۷۶، ج ۳، صص ۱۵۰ - ۱۵۱؛ الصحیح من أحادیث السیره النبویه - محمد الصویانی، ص ۳۴۳.

۴- ر.ک: الطبقات الکبری لابن سعد، ج ۸، ص ۹۸؛ السیره النبویه علی ضوء القرآن والسنة - أبوشهبه، ج ۲، ص ۳۱۵.

منزلت او را انکار نکرد، تا اینکه خداوند او را بسوی اسلام هدایت نمود. و در اینجا است که حکمت جلیلی که از ازدواج حضرت ﷺ با دختر ابوسفیان نتیجه می‌شود، به زیبایی تمام نمایان می‌گردد.^۱

مصالح تعدد همسران رسول الله ﷺ از نگاهی دیگر

اهداف و مصالح تعدد زوجات پیامبر اکرم ﷺ به طور خلاصه بدین قرار است:

مصالح آموزشی، مقصود انتشار امر آموزش میان زنان است، مخصوصاً درباره‌ی اموری که متعلق به آن‌ها می‌باشد. زیرا بسیاری از زنان، از رسول خدا ﷺ شرم داشتند تا احکامی چون زناشویی و مسائل حیض و نفاس و جنابت و طهارت و غیره را پرسند.

مصالح قانونی، مانند باطل کردن عادت فرزندخواندگی که در جاهلیت مرسوم بود و مسأله برادری که در جاهلیت بود. و مشارکت در روایت حدیث که راویان آورده‌اند که تعداد احادیثی که زنان پیامبر ﷺ روایت کرده‌اند، بیش از سه هزار حدیث است.

مصالح اجتماعی، مقصود از آن این است که روابط دوستانه میان پیامبر ﷺ و یارانش به وسیله‌ی این خویشاوندی مبارک، استحکام می‌یافت.

مصالح سیاسی، که این ازدواج‌ها باعث جذب سران قبایل و اطاعت از گرایش آن‌ها به اسلام می‌شد.

مصالح انسانی، در این ازدواج‌ها، پیامبر ﷺ می‌توانست با فداکاری آشکار خود به سرپرستی پیرزنانی که شوهران‌شان مرده بودند، برسد و برای آن‌ها که تکیه‌گاهی برایشان باقی نمانده بود و کمی داشتند یاوری باشد و بچه‌های یتیم‌شان را سرپرستی کند.

مصالح تربیتی، در این معاشرت‌های زناشویی پیامبر ﷺ با زنانش، ایشان الگوی نیکو و مثل کاملی برای مردان و زنان شدند، آن حضرت ﷺ در تمام موارد، عدل را میان آن‌ها رعایت می‌کرد، مانند بهره‌بردن و بیتوته کردن در شب و نفقه و احتمالاً خشم و غیرت بر آن‌ها و همین‌طور محبت و مدارا و پندهای نیکودادن به آن‌ها و ...

و اکنون تهمت‌زنندگان و غرض‌ورزان و خاورشناسان چه نظری درباره‌ی تعدد زوجات رسول الله ﷺ دارند؟ و آیا گمان می‌کنند که این ازدواج‌ها برای رسیدن به اعمال زشت، زناکاری‌ها و شهوات جنسی است؟ یا این‌که این ازدواج‌ها نهایت بخشش و فداکاری و کرامت انسانی است؟^۲

^۱ - بنگرید به: رفع شبهات و اباطیل پیرامون تعدد همسران پیامبر، محمد علی صابونی، صص ۲۶ - ۳۱.

^۲ - زنان پیرامون پیامبر (نقد و بررسی ادعای خاورشناسان)، محمود مهدی استانبلی و مصطفی ابوالنصر الشلبی، ترجمه: شهربانو دلبری، (مشهد: انتشارات سخن گستر، چاپ اول، ۱۳۸۲)، صص ۲۵۲ - ۲۵۳.

دیدگاه دانشمندان مسلمان پیرامون تعدد همسران پیامبر اکرم ﷺ

حافظ ابن حجر عسقلانی رحمته

از سخن علماء در حکمت زیادی زنان ده وجه بدست می‌آید که به قرار ذیل است:

اول: مشاهده‌ی زیاد بر احوال باطن و پنهان پیامبر ﷺ که در این صورت آنچه مشرکان به حضرت گمان ساحری یا غیره داشته بودند منتفی می‌شود.

دوم: تا بدین وسیله قبایل عرب به مصاهره (دامادی) آن حضرت ﷺ در میانشان مشرف شوند.

سوم: تا با این کار سبب الفت و دوستی با [قبایل] شود.

چهارم: سبب افزایش در تکلیف، از این جهت مکلف شده است که مورد علاقه قرار داده شدن زنانش از مبالغه در تبلیغ وی را مشغول نکند.

پنجم: تا سببی در ازدیاد عشیره‌اش از سوی زنانش باشد، از این رو آن حضرت ﷺ را در مقابل کسانی که با ایشان سر ستیز داشتند بیشتر یاری می‌رساندند.

ششم: نقل احکام شرعی که مردان از آن اطلاعی ندارند، چونکه بیشتر مسائلی که بین شوهر و زن واقع می‌شوند از دیگران پنهان می‌ماند.

هفتم: آگاهی یافتن از محاسن اخلاقی آن حضرت ﷺ که پنهان بوده است، با بانو ام حبیبه رضی الله عنها ازدواج کرد در حالی که پدرش با حضرت ﷺ عداوت داشت و همچنین با بانو صفیه رضی الله عنها بعد از قتل پدر، عمو و شوهرش با وی ازدواج نمود بنابراین اگر در اخلاق [نیکو] بهترین مردم نمی‌بود سبب می‌شد از حضرت ﷺ نفرت داشته باشند، بلکه تأثیری که گذاشته این است که نزد زنانش از تمام خانواده‌شان محبوب‌تر بوده است.

هشتم: خرق عادت برای پیامبر ﷺ که با وجود کم خوری و کم نوشیدن و زیادی روزه و تداوم آن، کثیر الجماع بوده است؛ آن حضرت ﷺ کسی را که توانایی ازدواج نداشته به روزه گرفتن توصیه نموده است و اشاره کرده که بسیار روزه گرفتن سبب کم شدن [و غلبه بر] شهوت می‌شود آنگاه این مسئله در حق خود پیامبر ﷺ خرق عادت شده است.

نهم و دهم: محافظت و برپایی و قوام حقوق زنان.^۱

علامه صفی الرحمن مبارکفوری رحمته

اگر زندگانی پیامبر ﷺ را با دیده‌ی تحقیق بنگریم؛ به خوبی می‌فهمیم که ازدواج‌های او در آن اواخر عمر و پس از آن که نزدیک سی سال از نیکوترین دوران جوانی خود را با همسرانی تقریباً سالخورده، چون

^۱ - فتح الباری شرح صحیح البخاری - ابن حجر، (ط: دار المعرفة، بیروت، ۱۳۷۹)، ج ۹، ص ۱۱۵.

خدیجه رضی الله عنها و سوده رضی الله عنها به سر برده بود، نه به خاطر این بود که [پناه بر خدا] یک باره شهوت سرکش و عشق فراوان نسبت به زنان در خود مشاهده کرده و عنان صبر از کفش بیرون رفته باشد؛ بلکه اهداف والاتر و برتری در کار بوده که طبعاً با آن ازدواج‌ها ارتباط داشته است.

پیوند ازدواج پیامبر صلی الله علیه و آله با عایشه رضی الله عنها و حفصه رضی الله عنها دختران ابوبکر رضی الله عنه و عمر رضی الله عنه برگزیدن دخترش فاطمه رضی الله عنها به همسری علی بن ابی طالب رضی الله عنه و رقیه رضی الله عنها و ام کلثوم رضی الله عنها به همسری عثمان بن عفان رضی الله عنه، به وضوح نشان می‌دهد که پیامبر صلی الله علیه و آله می‌خواست از طریق این ازدواج‌ها با آن چهار بزرگ‌مرد تاریخ پیوندی ناگسستنی برقرار نماید. آن چهار یاری که تلاش و ایثارشان در دوران‌های نابسامان دعوت حق در صحیفه‌ی تاریخ درخشان است و اراده‌ی خداوند آن بود که اسلام به سلامت از آن همه بحران‌ها گذر کند.

رسم مردم عرب نیز چنان بود که نسبت به خویشاوندان سببی، احترام ویژه‌ای به کار می‌گرفتند و این خویشاوندی را از طریق ازدواج، دری از درهای روابط و نزدیکی مستحکم میان طوایف گوناگون به شمار می‌آوردند و جنگ و ستیز را با آنان ننگ و رسوایی می‌دانستند. بنابراین، پیامبر از طریق ازدواج با چند تن از اُمّات مؤمنین؛ خواست از دشمنی و سرسختی مردم عرب در برابر اسلام، بکاهد و کینه‌توزی و خشم آنان را فرو نشاند.

ام سلمه رضی الله عنها، از تبار بنی مخزوم - طایفه‌ی ابوجهل و خالد بن ولید- بود؛ همین که پیامبر صلی الله علیه و آله با او ازدواج کرد؛ خالد رضی الله عنه آن همه سرسختی و ستیزه‌جویی را بکاست و در سرنوشت خود اندیشید تا اینکه پس از مدت کوتاهی و با میل و اشتیاق خود، اسلام آورد. همچنین ابوسفیان رضی الله عنه، پس از ازدواج پیامبر صلی الله علیه و آله با دخترش ام حبیبه رضی الله عنها، در هیچ پیکاری خود را نشان نداد و همچنین، پس از ازدواج با صفیه رضی الله عنها و جویریة رضی الله عنها، از دو طایفه‌ی بنی‌نضیر و بنی‌مُصطلق، هیچ نوع دشمنی و واکنشی را علیه اسلام، مشاهده نکردیم. جویریة، با برکت‌ترین زنان برای قبیله‌ی خویش گشت و به خاطر همین وصلت، یاران پیامبر صلی الله علیه و آله، یکصد خانوار از اسیران قبیله‌ی جویریة را آزاد کردند و گفتند: بی‌گمان این مَنّت نهادن [و اسیر آزاد کردن] چه تأثیر شایانی بر روح و جان پاک یک طایفه گذاشته است!

از همه‌ی اینها ارزنده‌تر و بزرگ‌تر یکی دیگر از مأموریت‌های پیامبر صلی الله علیه و آله این بود که به پرورش و آموزش و تزکیه و راهنمایی مردمی پرداخت که چیزی از رسوم و آداب، فرهنگ و تمدن، پایبندی به عرف و عادات شهرنشینی و همکاری در آبادانی جامعه و گرمی‌داشتن آن را، نمی‌فهمیدند. از سویی، اصول و قوانینی که زیربنای جوامع اسلامی را تشکیل می‌داد؛ به مردان اجازه نمی‌داد، با زنان اختلاط داشته باشند. به این سبب، غیرممکن بود که پرورش و آموزش و بالا بردن سطوح درک و دانش زنان باتوجه به این شرایط و مقدمات، شکفته شود؛ هر چند فراگیری این امر مهم برای زنان بسی ضروری و ارزنده بود. بنابراین،

پیامبر بزرگوار تصمیم گرفت که زنانی میانسال و با استعداد را در رشته‌های گوناگون انتخاب کند تا برای این هدف حیاتی کافی باشند. آنگاه اول به پرورش و تزکیه این زنان برگزیده پردازد و احکام دینی و تعلیمات لازم به آنان یاد دهد و آنچه لازمه‌ی دین باشد، در اختیارشان بنهد و به خوبی، آنان را برای تربیت کردن زنان بادیه‌نشین و شهرنشین و پیرزنان و دختران جوان و نوجوان، مهیا گردند؛ تا هرچه نیکوتر از عهده‌ی تبلیغ و تعلیم زنان برآیند. و زنان پیامبر یعنی، مادران مؤمنان، نقش اساسی و چشم‌گیری در راستای تبلیغ و رسانیدن پیام خدا و به ویژه سخنان و رفتار و اعمال حضرت، برای مسلمانان داشته‌اند. به‌خصوص برخی از آنان از جمله عایشه رضی الله عنها که از سایر زنان حضرت صلی الله علیه و آله، عمر طولانی‌تری داشت؛ بسیاری از سُنَن عملی و قولی را به مردم آموخت.^۱

علامه ابوالاعلی مودودی رحمته

کسانی که در این قضیه رسول خدا صلی الله علیه و آله را متهم به هوس‌پرستی می‌کنند، از وجدان خویش پرسیند و بگویند آیا شخصی که از بیست و پنج سالگی تا پنجاه سالگی تنها به یک همسر قناعت کرده است و آن هم همسری که پانزده سال از او بزرگ‌تر بوده است و بعد از درگذشت همسر اولش با یک زن سالخورده و بیوه دیگری ازدواج کرده است و تا چهار و پنج سال تنها با او به‌سر برده است، چنین کسی آیا می‌تواند هوس‌پرست باشد؟ او اگر از روی هوس‌پرستی ازدواج می‌کرد، در جامعه از چنان محبوبیت بی‌ظییری برخوردار بود که اگر می‌خواست با زیباترین دوشیزه‌گان ازدواج کند، والدین آنان با کمال افتخار آماده‌ی تقدیم دختران خود به‌عنوان همسر او می‌شدند، ولی با وجود این، او جز یک دختر دوشیزه با هیچ زن دوشیزه‌ای ازدواج نکرد، بلکه همه همسران او بیوه بودند. در حقیقت کسانی که چنین نقدهایی را مطرح می‌کنند، صرفاً جنبه‌ی شهوانی زندگی زناشویی برای آنان قابل تصور است. اندیشه و تصور پست آنان قادر نیست چنان اوج بگیرد که اهداف ازدواج آن انسان بزرگ را، که با مدنظر قرار دادن مصلحت‌های یک هدف و کار بزرگ، زنانی را به عنوان شریک زندگی و شریک کار و مسئولیت خود قرار داده است، درک کنند.^۲

استاد محمود غریب رحمته

اولاً: تعدد زوجات راه حلی برای مشکل طبیعی است و در تاریخ جز تعدد زوجات راه حل درستی برای این مشکل [هنوز] ثابت نشده است لیکن اسلام آن را مقید نموده و مبدع و مؤسس آن نبوده بلکه قبل

۱- باده‌ی ناب در سیره‌ی پیامبر خاتم (الرحیق المختوم)، صفی الرحمن مبارکفوری، ترجمه: محمد نهاء الدین حسینی، (سنندج: انتشارات کردستان، چاپ دوم، ۱۳۸۶)، صص ۶۰۰ - ۶۰۱.

۲- زندگانی پیامبرگرامی اسلام، ابوالاعلی مودودی، ترجمه: عبدالغنی سلیم قنبرزهی، (تهران: نشر احسان، ۱۳۹۰)، ص ۶۴۷.

از اسلام نیز شایع بوده است. مسئله‌ای که غربی‌ها بدان توجهی ندارند این است که زنان پیامبر ﷺ بجز بانو عایشه سایر همسران ایشان بیوه و مُسن بوده‌اند.

ثانیاً: اسلام جمع چهار زن را برای مرد جائز دانسته است، پس چرا پیامبر ﷺ نه همسر را با هم جمع نموده است؟ در جواب به این سؤال، آیه‌ای که تعدد را به چهار زن محدود نموده است آیه ۳ سوره نساء است: ﴿فَأَنْكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثْنَى وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ﴾ و سوره نساء در سال ۸ هجری نازل شده چونکه این سوره بعد از سوره ممتحنه نازل شد. و معلوم است که سوره احزاب - در سال ۵ هجری - که در آن آیه: ﴿لَا يَجِلُّ لَكَ النِّسَاءُ مِنْ بَعْدِ﴾ [احزاب: ۵۲]، یعنی: «از این پس، دیگر [گرفتن] زنان بر تو حلال نیست.»^۱ و پیامبر اکرم ﷺ هرگز با هیچ نص قرآنی مخالفت نکرده است، زیرا تکمیل تعدد قبل از محدود به چهار زن بوده است.

ثالثاً: هنگام نازل شدن آیه‌ی سوره نساء که در آن تعدد فقط به چهار زن معین گردید، پیامبر اکرم ﷺ از هر مردی که نزد وی بیش از چهار زن داشته درخواست کرد که چهار زن را نگه‌دارند و باقی آنان را طلاق بدهند و اکنون این سؤال مطرح است که چرا پیامبر اکرم ﷺ همسران اضافی خویش را طلاق نداد؟ در جواب گفته می‌شود:

اول اینکه: هر زنی که طلاق داده می‌شد بعد از گذراندن عده‌اش برای ازدواج جدید آماده می‌شود اما زنان پیامبر ﷺ مادران مؤمنان هستند: ﴿وَأَزْوَاجُهُ أُمَّهَاتُهُمْ﴾ [احزاب: ۶] و به سبب تکریم این مادران، [ازدواج آنها] بر سائر مؤمنین برای همیشه حرام گردید؛ ﴿وَمَا كَانَ لَكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا رَسُولَ اللَّهِ وَلَا أَنْ تُنكِحُوا أَزْوَاجَهُ مِنْ بَعْدِهِ أَبَدًا إِنَّ ذَلِكَ كَانَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمًا﴾ [احزاب: ۵۳]، و طلاق دادن همسران پیامبر ﷺ به این معناست که آنها بدون شوهر باقی بمانند که خداوند آنان را باقی گذاشت: ﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَحْلَلْنَا لَكَ أَزْوَاجَكَ﴾ [احزاب: ۵۰] و البته این خود دلیل دیگری است برای باقی ماندن زنان پیامبر ﷺ و اینکه آنان را طلاق ندهد.

دوم اینکه: همسران پیامبر ﷺ رساله و وظیفه‌ای در دعوت اسلام تلقی می‌شدند که خود این از اسباب تعدد زوجات می‌باشد به‌عنوان مصلحت انسانی، تشریحی، سیاسی و آنگاه تبلیغی برای جزئیات امور شریعت بود که طلاق هر یک از آنها به معنای این بود ازدواجی که به سبب آن انجام شده از بین می‌رفت

^۱ - برای آیه ۵۲ سوره احزاب، مفسرین دو دیدگاه را مطرح کرده‌اند که دیدگاه اولی همانی بود که شیخ محمود غریب بیان کرده است و دیدگاه دوم نیز ناظر بر نسخ آن با آیه ۵۰ احزاب دارد.

و لذا به دلیل صیانت از مقاصد بزرگی که در لوای این ازدواج‌ها بود، خداوند اجازه داد تا همسران حضرت ﷺ باقی بمانند.

رابعاً: بهتر این است که بگوئیم این تعدد ازواج خصوصیتی است که خداوند متعال پیامبر ﷺ را بدان تخصیص داده است. پس آیا این امتیازی است؟ تصور کنید که مردی دو فرزند دارد که هر دو در دانشگاه تحصیل می‌کنند، به فرزند اول یک میلیون تومان می‌دهد و به او می‌گوید که فقط این مبلغ برای توست! و به فرزند دوم صد هزار تومان می‌دهد و به او می‌گوید اگر این مبلغ را خرج کردی پس غیر آن را هم می‌توانی درخواست کنی؛ در این حالت کدام یک از این دو فرزند به اعطای بیشتر از جانب پدر ممتاز شده است؟ بدون شک فرزند دومی اعطای بیشتری به وی اختصاص یافته است. - الله المثلی الاعلی - مرد مسلمان جائز است که چهار زن را یکباره به همسری بگیرد حال اگر یکی از آنها بمیرد یا طلاق داده شود و یا همگی بمیرند و یا طلاق داده شوند باز می‌تواند زنان دیگری به همسری بگیرد اما اگر پیامبر (صلی الله علیه وسلم) یکی از همسران خود را طلاق دهد و یا یکی از آنها بمیرد پس برایش جائز نیست همسری دیگر برگزیند: ﴿لَا يَحِلُّ لَكَ الْبَنَاءُ مِنْ بَعْدُ وَلَا أَنْ تَبَدَّلَ مِنْ أَزْوَاجٍ وَلَوْ أَعْجَبَكَ حُسْنُهُنَّ﴾ [احزاب: ۵۲] بنابراین پشتوانه‌ی مرد مسلمان در داشتن همسران بیشتر است.

خامساً: مراحل زندگی پیامبر اکرم ﷺ از نظر ازدواج بدین قرار است:

مرحله‌ی اول: از بدو زندگی تا سن ۲۵ سالگی به عنوان جوانی پاکدامن که هرگز از ناحیه‌ی پاکدامنی مورد اتهام قرار نگرفت و خداوند او را در جوانی محفوظ نمود.

مرحله‌ی دوم: از سن ۲۵ تا ۵۳ سالگی که پیامبر اکرم ﷺ در این سن فقط با یک زن بیوه ازدواج کرد که [تقریباً] ۱۵ سال از آن حضرت ﷺ بزرگ‌تر بود و با وجود او همسر دوم دیگری انتخاب نکرد و بعد از وفات او نیز چند سالی بدون همسر ماند و مرحله‌ی جوانی به پایان رسید.

مرحله‌ی سوم: در ۵۳ سالگی از زندگی، به مدینه هجرت نمود و خداوند متعال جهاد مقدس را واجب کرد و بار بسیار سنگینی را بر دوش او اضافه شد و آن فرماندهی سپاه و نیز آینده‌ی دعوت بود. در شب مشغول به نماز و عبادت و در روز نیز به دعوت و جهاد، در این مرحله بود که خداوند متعال جهاد مقدس و تعدد زوجات را بر او واجب نمود که جهاد و ازدواج‌هایش هر دو در خدمت یک هدف بوده‌اند.

برخی از همسران پیامبر ﷺ از دختران سران عشایر بود که با این ازدواج‌ها پیروزی حاصل شد در حالی که جنگ‌ها چنین پیروزی‌ای را محقق نمی‌کرد. و چون که جنگ به اتمام می‌رسید یا اینکه خداوند پیامبر ﷺ را از انجام ازدواج جدید منع نمود؛ در این صورت حکمت ازدواج یک رسالت بوده است و چون محقق یافت، این فرموده‌ی حق تعالی نازل شد: ﴿لَا يَحِلُّ لَكَ الْبَنَاءُ مِنْ بَعْدُ﴾، بنابراین مرحله‌ی تعدد زوجات

همان مرحله‌ی جهاد مقدس است، و بعد از حاصل شدن نصرت، مرحله‌ی منع با آیه مذکور وارد شد. مرحله‌ی جوانی تا ۲۵ سالگی بدون ازدواج، از سن ۲۵ تا ۴۸ سالگی با یک همسر که ۱۵ سال هم از خود حضرت بزرگ‌تر بود و در این مرحله ازدواج مجددی انجام نشد. از سن ۴۸ تا ۵۳ سالگی به دلیل وفات بانو خدیجه، پیامبر ﷺ ازدواج نکرد. و جنگ با تعدد ازواج انجام شد تا عمل سیاسی همراه با جنبه‌ی عسکری باشد و بعد از نصرت یافتن، ایجاد ازدواج جدید ممنوع گشت.^۱

قاضی محمد سلیمان منصور فوری رحمته

به زندگانی پیامبر ﷺ بنگرید که ۲۵ سال از عمر ۶۳ سالگی خود را بدون ازدواج سپری نمود، کسی که دوران اوج جوانی اش را با پرهیزگاری، خویش‌داری و پاکدامنی گذارند؛ کسی که آزادزانی با نسب والا به سپای زیبایی می‌نگریستند و تمایل به ازدواج با وی را می‌نمودند اما هیچ چیزی در طول این ربع قرن زمان بر مجرد بودنش چیرگی نیافت، آیا به چنین مردی، گمان نیک نمی‌رود؟

کسی که ۲۵ سال از عمر خود را سپری کرده و چندین سال بعدی را با زنی زندگی می‌گذراند که ۱۵ سال از او بزرگ‌تر است و پیش از وی دو بار ازدواج کرده و از آن دو مرد قبلی، صاحب فرزندی شده است اما با این وجود، شکوفه محبت محمد ﷺ به این زن در طول ۲۵ سال پژمرده نمی‌شود بلکه پیوسته از بانو خدیجه رضی الله عنها یاد می‌کند حتی پس از مرگ او. آیا کسی می‌تواند درباره محمد ﷺ بگوید که به همان دلیلی با خدیجه رضی الله عنها ازدواج کرده که دیگران برای آن دلیل با زنان ازدواج می‌کنند یعنی بخاطر زیبایی و ارضای غریزه جنسی؟

در زندگانی پیامبر اکرم ﷺ برهه‌ای هست (از سال ۵۵ هـ تا سال ۵۹ هـ) که وی با همسران پاکدامن خود ازدواج کرده است بنابراین بر هر انسانی واجب است که در عوامل و اسبابی که در پس تمام اقدامات پیامبر ﷺ بعد از ۵۵ سالگی عمرش است بیندیشد بویژه هنگامی که در این گفته رسول خدا ﷺ می‌اندیشیم که فرموده است: "من نیازی به زنان ندارم"^۲ تا که دانسته شود تعدد همسرانش، بسیاری از فواید دینی، مصالح و الاهی حکومت اسلامی و اهداف متعالی امت را هدف قرار داده بود. و تحقق این فواید، مصالح و اهداف در آن زمان گذشته و در آن منطقه عقب افتاده جزیره العرب در گرو تعدد همسران بود. به‌طور مثال:

۱- تعدد الزوجات بین حقائق التنزیل و افتراءات التضمیل - محمود غریب، (ط: ۲، دار القلم للتراث، القاهرة، ۲۰۰۳م)، صص ۴۴ - ۴۷.

۲- ر.ک: صحیح البخاری، ج ۶، ص ۱۹۲ ح ۵۰۲۹.

در ازدواج پیامبر ﷺ با مادر مؤمنان صفیه رضی الله عنها تأمل کنید، همه جنگ‌هایی که پیش از این ازدواج روی داد یهودیان آشکارا یا پنهانی در آنها دست داشتند اما پس از ازدواج پیامبر ﷺ با صفیه، دیگر یهودیان در هیچ یک از جنگ‌ها ضد مسلمانان مشارکت نکردند پس این ازدواج واقعاً لازم بود.

به ازدواج پیامبر ﷺ با ام حبیبه رضی الله عنها بنگرید که پدرش ابوسفیان از اشراف زاده‌های قریش بود و تصمیم جنگ در خانه او گرفته می‌شد و هنگامی که پرچم جنگ در خانه او نصب می‌شد بر یکایک افراد قریش واجب بود که به آن پیوندند که این کار در راستای عمل به راه و روش نیاکان و عادات و ارزش‌های آنها بود. لذا ابوسفیان بود که سپاه مشرکان را در جنگ احد، حمراء الاسد، بدر الاخری و احزاب و جنگ‌های دیگر فرماندهی می‌کرد اما پس از ازدواج با بانو ام حبیبه رضی الله عنها نمی‌بینیم که ابوسفیان رضی الله عنه جنگی ضد مسلمین را فرماندهی کرده باشد بلکه بعد از مدتی اندک به ارتش اسلام ملحق می‌شود پس آیا کسی می‌تواند بگوید که این ازدواج اهمیتی نداشته است؟

به ازدواج پیامبر ﷺ با مادر مؤمنان جویریّه رضی الله عنها بنگرید که پدرش از راهزنان بود و با مسلمانان دشمنی می‌کرد و قبیله مشهور، قدرتمند و پرتعداد بنو مطلق به یک اشاره او هر کاری می‌کرد و هر جنگی که پیش از این ازدواج ضد مسلمانان درگرفت این قبیله بدان ملحق شدند اما پس از این ازدواج مبارک بود که این کشمکش‌ها فروپاشید و قبیله بنومطلق از هجوم و جنگ دست کشید و پس از آن در جنگی ضد مسلمین شرکت نکرد پس آیا این ازدواج لازم نبود؟

به ازدواج پیامبر ﷺ با مادر مؤمنان میمونه رضی الله عنها بنگرید، او خواهری داشت که همسر حاکم نجد بود که سبب میشد این ازدواج، تاثیر بزرگی بر استقرار امنیت و صلح در منطقه نجد و انتشار دین اسلام در آنجا داشته باشد و اهالی نجد پیش از این ازدواج، هفتاد واعظ و دعوتگر خواسته بودند که ناجوانمردانه آنان را به قتل رسانند و اقدام به ایجاد ناامنی و فتنه انگیزی پیاپی کرده بودند. در واقع هر کس که منکر فواید امنیت عمومی و اصلاح امور کشوری نباشد ناچاراً این ازدواج را مبارک و مؤثر قلمداد می‌کند.

ازدواج پیامبر ﷺ با هر یک از مادران مؤمنان زینب بنت جحش رضی الله عنها، عایشه رضی الله عنها و حفصه رضی الله عنها مبتنی بر تحقق اهداف اسلامی و مصالح دینی است چنان‌که ازدواج بانو زینب بنت جحش، قانون غلط فرزندخواندگی را در هم شکست و تیشه به ریشه درخت نامبارک زد. و این اصلاح‌گری بزرگ که تاثیر آن، مشرکان و اهل کتاب را نیز در بر گرفت جز با این ازدواج ممکن نبود.

پس از ازدواج عایشه رضی الله عنها و حفصه رضی الله عنها اعمال خارق العاده‌ای در رابطه با حفظ قرآن و نشر احادیث نبوی و آموزش زنان پدیدار شد، و ازدواج هر یک از آن دو نقش مهمی در تحکیم خلافت ابوبکر رضی الله عنه و عمر رضی الله عنه ایفا کرد و خلافت‌شان را سودمندتر و قویتر نمود. و تمامی اینها فوایدی است که این ازدواج‌ها، پیامبر ﷺ را بر تحقق و دستیابی بدان‌ها یاری کرد. فوایدی که خاطر نشان ساختیم به عنوان مثال بود و گرنه

بیش از اینها فواید دارند و این ازدواج‌ها، اهداف دینی‌ای که پیامبر ﷺ در هر ازدواج به دنبال آن بود را توضیح می‌دهد.^۱

دکتر محمد رواس قلعه جی رحمته

بعد از وفات خدیجه رضی الله عنها و هجرت پیامبر ﷺ از مکه به مدینه، مرحله‌ی جدیدی در مسیر دعوت اسلامی آغاز شد. این مرحله مقتضی آن بود که پیامبر ﷺ زنان متعددی داشته باشد. تعدد زوجات بارسنگینی (از جهت رعایت عدالت، ایجاد سازگاری و تفاهم میان آنان، مسایل مادی و ...) بر دوش مرد می‌گذارد. این مسأله به خاطر فقر و تنگدستی پیامبر ﷺ بیشتر بر آن حضرت صلی الله علیه و آله سنگینی می‌کرد. حکمت تعدد زوجات پیامبر ﷺ را می‌توان در سه مورد خلاصه کرد:

اول- زندگی خصوصی، خانوادگی، اجتماعی و ... پیامبر صلی الله علیه و آله بهترین الگو و اسوه است و بر هر فرد مسلمان واجب است از آن پیروی کند و سنتی است که کوتاهی در عمل کردن به آن جایز نیست: ﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ﴾ [احزاب: ۲۱]، یعنی: «سرمشق و الگوی زیبایی در (شیوه‌ی پندار و گفتار و کردار) پیغمبر خدا برای شما است.» باتوجه به آن زن بیشتر از هر کس دیگری از زندگی شخصی و خصوصی شوهرش باخبر است، لذا ضروری است که پیامبر صلی الله علیه و آله زنان متعددی داشته باشد تا به خوبی و بدور از هرگونه تحریف، احکام و قوانین مربوط به زندگی شخصی و خانوادگی را برای مردم بیان کنند و بتوانند بر جریان دعوت اسلامی در میان زنان نظارت کامل داشته باشند.

دوم- کسی که دربارهی اوضاع و احوال زنان پیامبر صلی الله علیه و آله تحقیق کند، متوجه می‌شود که آنان از جهات گوناگونی متفاوت از یکدیگر بوده‌اند. یکی در سنی که هنوز میل به بازی‌های کودکانه در او وجود داشته و دیگری در سن پیری. یکی دختر سرسخت‌ترین دشمنان و دیگری دختر نزدیک‌ترین محبوبان. یکی علاقمند به سرپرستی یتیمان و دیگری زنان پیامبر صلی الله علیه و آله هر کدام نمونه‌هایی از افراد جامعه‌ی انسانی بوده‌اند و پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در ضمن حسن رفتار با همسران خود، احکام و قوانین والا و نمونه‌ای را به اصحاب خود عرضه داشته و به آنان آموخته است که چگونه در برخورد با اقشار مختلف جامعه رفتاری پسندیده و مقبول داشته باشند.

سوم- همین که پیامبر صلی الله علیه و آله در مدینه منوره تشکیل دولت اسلامی را اعلام کرد، قبایل عرب با او اعلام جنگ کردند. اما این عداوت و دشمنی منحصر به قبیله‌ی قریش نمی‌شد، بلکه همه‌ی قبایل عرب در مقابل دولت اسلامی موضع‌گیری کردند. لذا رسول الله صلی الله علیه و آله از روی حکمت، بهتر آن دانست که بعضی از

^۱- رحمة للعالمین - محمد سلیمان المنصورفوری، تعریب: د. سمیر عبد الحمید ابراهیم، (ط: ۱، دار السلام، الرياض)، صص ۳۸۵

طرف‌های معاند را با روش‌هایی مناسب آرام کند و باتوجه به اینکه قبایل عرب خود را حامی و مدافع کسی می‌دانستند که با زنی از قبیله‌ی آنان ازدواج کرده باشد، پیامبر ﷺ سعی کرد از قبایل مختلف زنانی را به ازدواج خود درآورد تا عداوت و دشمنی آنان به این سبب از بین رفته و یا تا حد زیادی کاهش یابد. پس ازدواج رسول خدا ﷺ به خاطر مصلحت و الایی بوده که مسیر دعوت اسلامی و تثبیت ارکان دولت اسلامی مقتضی آن بوده است. به این شکل پیامبر ﷺ ثابت کرد علاوه بر اینکه پیامبری است که بر او وحی نازل می‌شود، سیاستمداری مجرب و باهوش نیز می‌باشد. اما باتوجه به این که ممکن است این مصلحت از جانب افرادی و به تبعیت از شهوات مورد سوء استفاده قرار گیرد، لذا خداوند حکیم آن را مخصوص پیامبر ﷺ قرار داده و سایر مسلمانان حق داشتن بیش از چهار زن را به طور همزمان ندارند.^۱

دکتر محمد سعید رمضان بوطی رحمته

ازدواج پیامبر اکرم ﷺ با بانو خدیجه زبان و قلم خاور شناسان [مغرض] و مزدوران سکولاریست آنها را می‌بندد؛ آنانی که کینه اسلام و بغض قدرت فرمانروایی آن را در دل دارند و گمان برده‌اند که در موضوع ازدواج پیامبر اکرم ﷺ میدانی یافته‌اند که می‌توانند در آن بتازند و به اسلام ضربه بزنند، آنها از پیامبر اکرم ﷺ سپای مردی شهوتران که غرق در لذت و منافع شخصی می‌باشد به تصویر کشیده‌اند. غافل از اینکه پیامبر تا بیست و پنج سالگی در محیطی جاهلی و آزاد، با پاکدامنی زندگی نموده است بدون اینکه به سوی محیطهای فاسدی که پیرامون او وجود داشته است، برود. سپس با زنی سالمند ازدواج می‌کند که تقریباً دو برابر او سن دارد و با او زندگی را ادامه می‌دهد. خدیجه رحمته در سن شصت و پنج سالگی دار فانی را وداع گفت و در این زمان پیامبر اکرم ﷺ پنجاه سال داشت. در طی مدت زندگی با بانو خدیجه رحمته در فکر ازدواج مجدد نیفتاد. حساس‌ترین دوره‌ی زندگی هر انسانی از نظر انگیزه‌ها و غرایز جنسی و تمایل داشتن به چند همسری، سن بیست تا پنجاه سالگی است، اما در این دوران، پیامبر اکرم ﷺ با این وجود به این فکر نیفتاد که زن یا کنیز دیگری به خانه بیاورد.

بعد از فوت ایشان، ازدواج با بانو عایشه و دیگر امهات المؤمنین حکمت و سببی دارد که موجب تقویت ایمان مسلمان به عظمت محمد ﷺ و جایگاه والا و کمال اخلاقی وی می‌گردد.^۲

۱- نگرشی سیاسی بر سیره پیامبر، محمد رواس قلعه‌چی، ترجمه: محمد حسین احمدی تبار، (سندج: انتشارات آراس، چاپ اول، ۱۳۹۰)، صص ۴۱ - ۴۳.

۲- ر.ک: فقه السیره النبویه - البوطی، صص ۵۳ - ۵۴؛ به نقل از الگوی هدایت (تحلیل وقایع زندگی پیامبر اکرم) - علی محمد صلابی، ترجمه: هیئت علمی انتشارات حرمین، (زاهدان: انتشارات حرمین، چاپ اول، ۱۳۸۷)، صص ۱۱۲.

دکتر عبدالرحمن بن عبدالکریم شیخه

پیامبر ﷺ بعد از وفات اولیه همسرش خدیجه رضی الله عنها با یازده زن ازدواج کرد که جز عایشه رضی الله عنها که دوشیزه بود، بقیه همگی بیوه زنانی سالخورده بودند. ۶ تن از همسرانش از قبیله قریش، ۵ تن از سایر قبایل عرب و یکی از آن‌ها قبطی بود که مادر ابراهیم رضی الله عنه بود، پیامبر ﷺ می‌فرماید: «**إِذَا مَلَكَتُمُ الْقِبْطَ فَأَحْسِنُوا إِلَيْهِمْ فَإِنَّ لَهُمْ ذِمَّةَ وَرَحْمًا**؛ هر گاه [غلام یا کنیزی] قبطی داشتید به آن‌ها نیکی کنید. زیرا آنان دارای پیمان و رحم هستند.»^۱

ازدواج ایشان با این زنان دلایل متعددی داشت از جمله:

دلیل دینی و تشریحی؛ مانند ازدواج ایشان با زینب دختر جحش رضی الله عنها، اعراب در دوره جاهلی ازدواج فرد با همسر پسر خوانده‌شان را حرام می‌دانستند. زیرا معتقد بودند که همسر پسر خوانده همانند همسر پسر آن فرد است. پیامبر ﷺ با هدف باطل ساختن این اعتقاد با زینب رضی الله عنها ازدواج کرد. خداوند متعال فرموده: «**هنگامی که زید نیازش را از آن زن به سرآورد (و از او جدا شد)، ما او را به همسری تو درآوردیم تا مشکلی برای مؤمنان در ازدواج با همسران پسر خوانده‌هایشان - هنگامی که طلاق گیرند - نباشد؛ و فرمان خدا انجام شدنی است (و سنت غلط تحریم این زنان باید شکسته شود)**» [احزاب: ۳۷].

دلیل سیاسی؛ برای مصالح دعوت و نزدیکی میان دل‌ها و جذب عاطفه و علاقه قبایل: پیامبر ﷺ با بزرگ‌ترین قبایل قریش و قوی‌ترین اقوام عرب پیوند خویشاوندی برقرار کرد. این روشی است که یارانش را نیز بدان دستور می‌داد. پیامبر ﷺ هنگامی که عبدالرحمن بن عوف رضی الله عنه را به دومه الجندل فرستاد به او فرمود: «**إِنْ أَطَاعُوكَ فَتَزَوَّجْ ابْنَةَ مَلَكَهُمْ**؛ اگر از تو اطاعت کردند، پس با دختر حاکمشان ازدواج کن.»^۲

انگیزه‌های اجتماعی؛ مانند ازدواج ایشان با همسر بعضی از یارانش که در راه انتشار دین خداوند از دنیا رفته‌اند علی‌رغم اینکه این زنان مسن بوده‌اند اما پیامبر ﷺ به علت رحم و شفقت نسبت به آن‌ها و بزرگداشت آن‌ها و همسرانشان با آنان ازدواج می‌کرد.^۳

استاد محمد علی خالدی

با ادنی تأمل می‌شود دانست که رسول الله ﷺ دوره جوانی خود را تا سن چهل سالگی با یک زن گذراند، و هیچگاه در سیره مطهره ایشان دیده نشد که نظری به شهوت داشته باشند. موقعیکه خدای متعال

۱- مصنف عبد الرزاق، ج ۶، ص ۵۸ ح ۹۹۹۶.

۲- طبقات الکبری لاین سعد، ج ۲، ص ۸۹؛ تاریخ الطبری، ج ۲، ص ۶۴۲؛ دلائل النبوة للبيهقي، ج ۴، ص ۸۵.

۳- ر.ک: محمد رسول الله، عبدالرحمن بن عبدالکریم شیخه، ترجمه: اسحاق دیری، (نشر الکترونیکی، ۱۳۸۵)، صص ۶۵ -

ایشان را به شرف رسالت ختمی مرتبت رسانید دیگر وقتی و مجالی برای به شهوت پردازی برایشان نماند، و قسمتی از زنان را در حالیکه سنّاً از خودشان بزرگتر بودند و یا دوره‌ی جوانی را سپری نموده بودند به نکاح آورد، تا برساند که هر زنی که از بزرگان قوم خود بوده و شوهر خود را در جهاد فی سبیل الله از دست داده بود، در ازدواج با رسول الله ﷺ سرپرستی مهربان به دست آورد.

قصد ایشان از ازدواج محکم کردن رابطه دوستی و جلب قبيله زن به سوی اسلام و رفع عداوت و نزدیک نمودن مردم به اسلام بوده است. علاوه بر حکمت‌هایی که یاد شد؛ اراده‌ی خدای متعال این بود که همسران رسول الله ﷺ همه قدوه و مورد اقتدای زنان باشند، و در آیه ۲۸ تا ۳۳ سوره احزاب که در خصوص زوجات طاهرات است متعهد تعلیم زنان باشند و امور دین را به زنان بیاموزند، و از این راه بود که بعد از رسول الله ﷺ زنان از ازدواج طاهرات امور دین خود می‌پرسیدند و دانا می‌شدند، چنانکه بانو عایشه رضی الله عنها و بانو ام سلمه رضی الله عنها که مدتی بعد از رسول الله ﷺ مانند آنچه از احکام دینی که اختصاص به زنان داشت به زنان می‌آموختند و بانو حفصه امانتداری حفظ قرآن کریم که در عصر ابوبکر رضی الله عنه و عمر رضی الله عنه با منتهای صدق و امانت از سینه‌ی حفاظ قرآن به رشته تحریر آورده بود بر عهده داشت. و شاید تحریم زنان رسول الله ﷺ بر غیر آن حضرت رضی الله عنه این بود که اینان بر مقام تعلیم و قدوه بودن باقی بمانند و وقت‌شان صرف چیزی دیگر نشود.^۱

دیدگاه برخی از مستشرقین

اسلام‌سنیزهای مغرض ایرانی با اتهام زدن بر پیامبر اکرم ﷺ بدون اندیشیدن و از روی نادانی و بدون مطالعه، گوی سبقت را ربوده‌اند و وانمود می‌کنند که آنان هستند به کشف بزرگی در رابطه با تعدد ازواج پیامبر اکرم ﷺ دست یافته‌اند و با اتهام شهوترانی جنسی که بعضاً ذهنیت خودشان نیز در همین حد بدان متمایل است گمان باطل کرده‌اند چراکه برخی از مستشرقین به مراتب در تحقیق و مطالعه از این «اسلام‌سنیزهای ایرانی متمایل به الحاد» انصاف بیشتر به خرج داده و به فلسفه‌ی تعدد همسران پیامبر اکرم ﷺ از دریچه‌ی اجتماعی، سیاسی، تاریخی و حقوقی نظر افکنده‌اند، سخنان نیکویی را بیان داشته‌اند که هرچند ممکن است در پاره‌ای از موارد در این موضوع با آنها اختلاف داشته باشیم اما در کل، دقیق و منصفانه توضیح داده‌اند و قطعاً از اسلام‌سنیزان مغرض با انصاف‌تر بوده‌اند. به‌طور نمونه:

۱- غایة المأمول در سیرت حضرت رسول، محمد علی خالیدی (سلطان العلماء)، (تهران: نشر احسان، چاپ سوم، ۱۳۸۲)، صص ۵۲۵ - ۵۲۶.

فیلسوف و مؤرخ آمریکایی **ویل دورانت** (Will Durant) می‌گوید:

«ده زن و دو کنیز وی مایه حیرت و خرده‌گیری مردم مغرب زمین شده‌اند، ولی باید به یاد داشته باشیم که کثرت مرگ و میر مردان در میان سامیان عصر قدیم و آغاز قرون وسطی تعدد زوجات را در نظر آنها به مقام یک ضرورت حیاتی و تقریباً یک وظیفه اخلاقی بالا برده بود. در نظر پیامبر نیز تعدد زوجات یک موضوع عادی و بی اشکال بود، بدین جهت، با خاطری آسوده، زنان مکرر می‌گرفت، اما هدف وی اشباع تمایلات جنسی نبود. (...) بعضی ازدواج‌های وی به سائق نیکوکاری و ترحم به بیوه‌های فقیری بود که از پیروان یا دوستان وی به جا مانده بودند؛ بعضی دیگر ازدواج‌های مصلحتی بود، مانند ازدواج با حفصه، دختر عمر، که می‌خواست به وسیله آن مناسبات خود را با پدرش محکم کند، یا با دختر ابوسفیان که می‌خواست بدین وسیله دوستی قدیم را جلب کند. شاید بعضی از ازدواج‌ها را به این امید می‌کرد که پسری داشته باشد.»^۱

جان دون پورت (John Davenport) می‌گوید:

«صرف نظر از اینکه تعدد زوجات در زمان حیات محمد در تمام عربستان و سایر نواحی مشرق زمین معمول بوده، و خلاف شمرده نمی‌شده است باید این نکته را بخاطر آورد که محمد از سن بیست و پنج سالگی تا پنجاه سالگی با داشتن یک زن راضی و قانع بود و تا هنگامی که خدیجه زنده بود و در سن شصت و سه سالگی وفات کرد محمد زن دیگری نگرفت و محمد از خدیجه فرزند ذکوری نداشت. در این صورت باید پرسید آیا ممکن است چنان مرد شهوانی در چنان کشوری که تعدد زوجات عمل عادی شمرده می‌شود برای مدت بیست و پنج سال به یک زن قانع باشد، آثم زنی که پانزده سال از او بزرگ‌تر است؟ و آیا نمی‌توان بیشتر بر این احتمال تکیه کرد که محمد زن‌های متعددی را که در دوران اواخر زندگیش گرفت ناشی از این میل و رغبت بوده است که پسری داشته باشد؟»^۲

همو در جایی دیگر از کتابش در رد اتهام از پیامبر اکرم ﷺ در مورد آیه تخییر (احزاب: ۲۸) می‌نویسد:

«مبلغین نادان و عده‌ای اهل عناد و الحاد و دسته‌ای از کوتاه‌نظران این زمان، که در این بحث وارد تحقیق می‌شوند، تصور می‌کنند که رسول اکرم از راه هوای نفس با زنان متعددی ازدواج کرده است. متأسفانه تصور این اشخاص بصورت گمان، و از گمان بصورت شبهه، و از شبهه بصورت سوءظن، و از سوءظن به درجه‌ی سخافت رأی می‌رسد. ولی چیزی که نزد من مسلم است این است که همه‌ی این افراد، مردمی کوتاه‌نظر و نادان هستند، زیرا آیه‌ی قرآن که اساس آن حاکی از نفی زینت و منع همه‌ی زنان پیغمبر از

۱- تاریخ تمدن، ویل دورانت، ترجمه: احمد آرام و دیگران، (تهران: اقبال: فرانکلین، ۱۳۳۷)، ج ۴، ص ۲۲۳.

۲- عذر تقصیر به پیشگاه محمد و قرآن، جان دیون پورت، ترجمه: سید غلامرضا سعیدی، (قم: انتشارات دارالتبلیغ اسلامی، چاپ سوم، ۱۳۴۸)، ص ۳۵.

استعمال آن است؛ و از آن گذشته رابطه‌ی زناشویی را بر اساسی قرار می‌دهد که مطلقاً منافی زندگانی جنس لطیف است، و ضمناً ارتباط بین پیغمبر و زناش را به طرز روشنی که کاملاً مخالف هوی و هوس است بیان می‌نماید و از این بالاتر می‌بینیم که خداوند به پیغمبر دستور می‌دهد، که در غیر اینصورت همه آنان طلاق بگیرند و مانند سایر زنان از هوس‌های زنانه در مورد استعمال زیور و زینت برخوردار شوند. و الا با طبیعت دیگری که مخالف طبیعت دنیوی است خو گرفته، و راه زهد پیش گیرند. هرکس می‌تواند به سهولت تشخیص دهد که همهی اطراف و جوانب این داستان و ابلاغ نهائی پیغمبر، برخلاف شهوات و تمایلات نفسانی است، زیرا در عرف شهوت‌پرستی، هیچ‌گاه کلماتی بدین صورت صریح و قاطع و تا حدی خشن استعمال نمی‌شود.^۱

تاریخ‌نگار، زبان‌شناس و فیلسوف اسکاتلندی **توماس کارلایل** (Thomas Carlyle) می‌گوید: «برخلاف آنچه از روی ظلم و دشمنی محمد بدان متهم می‌شود، او فرد شهوت‌پرستی نبود. بزرگترین ظلم و اشتباه آن است که او را شهوت‌پرست بدانیم و معتقد باشیم که او جز برآورده کردن نیازها و لذت‌های خود هدف دیگری نداشت. هرگز! به راستی او چقدر از لذت‌ها - هر چه باشند - دور بود، او در مسکن، خوراک، لباس و سایر امورات و احوالاتش زاهد و پارسا بود.»^۲

مؤرخ فرانسوی و استاد دانشگاه سوربن و میشیگان، **کلود کائِن** (Claude Cahen) می‌گوید: «ممکن است به علت شیوه تفکر امروزی ما بعضی از جنبه‌های زندگی محمد باعث تزلزل و اشتباه ما شود. اتهامات و افتراها به شهوت دنیایی پیامبر اشاره دارد و اینکه پیامبر پس از وفات خدیجه با نه زن ازدواج کرد. اما حقیقت این است که بیشتر این پیوندهای خویشاوندی و ازدواج‌ها دارای جنبه سیاسی بود و با هدف دست یافتن به دوستی و حمایت بعضی از اشراف، بزرگان و افراد قدرتمند قبایل انجام می‌شد. علاوه بر این هر گاه انسان از طبیعت خود آنگونه که خداوند او را آفریده است استفاده کند، اندیشه عرب آن را به رسمیت می‌شناسد و به آن احترام می‌گذارد.»^۳

عرب‌شناس و اسلام‌شناس ایتالیایی، **لئورا وچا ولیری** (Laura Veccia Vaglieri) می‌گوید: «دشمنان اسلام اصرار دارند که تصویر محمد را شخصی شهوتران و هوسران معرفی کنند و به تکاپو افتادن که تعدد زوجات او را با شخصیتی ضعیف که غیر منطبق با اصالت پیامبری است بیابند اما آن‌ها این حقیقت را مدنظر نگرفته‌اند که: پیامبر در دوران جوانی که غریزه جنسی در شدیدترین و قوی‌ترین حالت

۱- منبع قبل، صص ۱۹۳ - ۱۹۴.

۲- الابطال - توماس کارلایل، تعریب: محمد السباعی، (ط: دارالکتاب العزلی، بیروت)، ص ۸۳.

۳- الإسلام منذ نشوئه حتى ظهور السلطنة العثمانية - کلود کائِن، تعریب: حسین جواد قیسی، (ط: ۱، المنظمة العربية للترجمة، بیروت، أيار (مايو)، ۲۰۱۰م)، ص ۳۶.

ممکن قرار دارد و علی‌رغم اینکه زندگی در جامعه اعراب به جهت ازدواج به‌عنوان یک نهاد اجتماعی، مفقود بود و همچنین از این جهت که تعدد زوجات یک قاعده بوده و نیز طلاق در آن بسیار ساده صورت می‌گرفت، فقط با یک زن ازدواج کرد که آن هم خدیجه بود که چندین سال از او مسن‌تر بود. و او مدت ۲۵ سال همسر و دوستدار راستین آن زن بود و تنها پس از وفات خدیجه و زمانی که سن ایشان به بیش از ۵۰ سالگی رسیده بود دوباره و با بیش از یک زن ازدواج کرد. در حقیقت هر کدام از این ازدواج‌های پیامبر دارای انگیزه سیاسی یا اجتماعی بود. از جمله این دلایل و انگیزه‌ها می‌توان به بزرگداشت و تکریم زنان پرهیزگار و برقراری پیوند خویشاوندی با بعضی از عشایر و قبایل با هدف ایجاد راه‌های جدید برای انتشار اسلام اشاره کرد. محمد با زانی ازدواج کرد که به جز عایشه هیچ کدام از آن‌ها دوشیزه، جوان و یا زیبا نبودند. پس آیا او مردی شهوتران بود؟ او یک انسان بود نه خدا. ممکن است علاقه و میل به فرزندان شدن موجب ازدواج مجدد او شده باشد زیرا فرزندان که از خدیجه پدید آمده بود از بد شانسی وی وفات کردند؛ او بدون آنکه درآمد فراوانی داشته باشد بار زندگی یک خانواده بزرگ را بر دوش می‌کشید. اما او با آنان همواره روش مساوات و برابری کامل را در پیش می‌گرفت و هرگز میان هیچ کدام از آنان با دیگران تفاوتی نمی‌گذاشت. او با پیروی از روش پیامبران پیشین مانند موسی و ...، که گمان نمی‌رود هیچ کس بر ازدواج‌های متعدد آن‌ها خرده گرفته باشد، عمل می‌نمود. آیا علت این امر این است که ما جزئیات زندگی روزمره آن‌ها را نمی‌دانیم اما تقریباً از همه جزئیات زندگی خانوادگی محمد اطلاع داریم؟!»^۱

کارن آرمسترانگ (Karen Armstrong) می‌گوید:

«اگر چه محمد نسبت به زنان اشتیاق نشان می‌داد، اما هرگز تا زمانی که خدیجه زنده بود، تصور چند زن داشتن را، که از کارهای عادی اعراب به شمار می‌رفت، به خود راه نداد. همین نکته، پاسخی است به غریبان، که او را به خاطر داشتن چند زن، مورد انتقاد فراوان قرار داده‌اند.»^۲

گوستاو لوبون (Gustave Le Bon) می‌گوید:

«اگر از پیغمبر بتوان انتقاد کرد فقط همان محبت مفرطی است که به زن داشته ولی این را هم نباید از نظر انداخت که این محبت فقط در قسمت اخیر زندگانی در او پیدا شده بود و الا در اوایل عمر تا سن پنجاه سالگی به همان زوجهی اولی قناعت نمود. پیغمبر این محبت را هیچ‌وقت پوشیده هم نگاه نمی‌داشت چه این قول منسوب به اوست که می‌فرمود: "دو چیز را خیلی دوست دارم؛ یکی زن و دیگری بوی خوش، ولی

۱- دفاع عن الاسلام، لثورا وچا ولیری، تعریب: منیر البعلبکی، (ط: ۵، دارالعلم للملایین، بیروت، ۱۹۸۱م)، صص ۹۹ - ۱۰۱.

۲- محمد، زندگی‌نامه پیامبر اسلام، کارن آرمسترانگ، ترجمه: کیانوش حشمتی، (تهران: انتشارات حکمت، ۱۳۸۶)، صص ۶۳.

آن چیزی که بیشتر از همه قلب را قوت می دهد نماز است. " پیغمبر به سن زنان خود چندان اهمیت نمی داد، زیرا عایشه را وقتی که به نکاح خود در آورد سنش زیاده از ده سال نبود، لیکن میمونه دختر حارث را که به زنی گرفت عمرش بالغ بر پنجاه و یک سال بود. ... پیغمبر مخصوصاً در یکسال چهار زن اختیار نمود ولی مجموع زنانش در مدت عمر پانزده نفر بوده و در یک زمان هم عده ای آنها از یازده نفر تجاوز نکرده است. این شماره در نظر اهالی اروپا شاید زیاد باشد ولی در نظر مشرقی ها ابداً افراطی در آن به عمل نیامده است."^۱

ایران شناس و اسلام شناس روسی تبار **پتروشفسکی** (Petrushevsky) می گوید:

«پیامبر پس از مرگ خدیجه زنان دیگری گرفت. وی در سال مرگ خویش نه زن داشت و بر روی هم در مدت حیات ۱۴ زن گرفت به استثنای کنیزان. ظاهراً در این مورد حق با بارتولد است که می گوید محرک این امر بیشتر عقیده ی دیرین اعراب بود که می گفتند وجود حرم برای حفظ شایستگی هر رئیس سیاسی ضرورت دارد. انگیزه ی ازدواج وی با عایشه دختر ابوبکر، حفصه دختر عمر، و بعدها ام حبیبه دختر ابوسفیان، و جز آنان غیر از این نبود که می خواست با همزمان و یا متحدانی که اتحاد با ایشان ضرورت بود، روابط شخصی خویش را با پیوند ازدواج استوارتر سازد.»^۲

اسلام شناس فرانسوی **مونتگمری وات** (Montgomery Watt) در مورد اتهام مغرضان بر پیامبر ﷺ می گوید:

«آنکه این تهمت را وقتی بر اساس اندیشه های رایج در عصر محمد بررسی کردیم، اشتباه بوده است. مردمان معاصر محمد به سبب این ازدواج های متعدد او نظر بد نداشته اند بلکه از منظر آنها مانند مردی بوده که دارای قدرت سیاسی است. این سخن مبالغه نیست که هم ازدواج های محمد به هدف سیاسی بوده است. و هیچ دلیلی نداریم که تصور کرد آن حضرت از تأثیر جاذبه ی فیزیکی بطور کلی بی اعتنا بوده باشد چراکه مؤکداً وی کاملاً در مواجهه با زنان بر عواطف خود سیطره داشته است، از این رو ازدواجی نمی کرد مگر اینکه این ازدواج به لحاظ سیاسی و اجتماعی مصلحت و شایسته بوده است.»^۳

۱- تمدن اسلام و عرب، گوستاو لوبون، ترجمه: محمد تقی فخرداعی گیلانی، (تهران: چاپخانه علمی، چاپ سوم، ۱۳۱۸)، صص ۱۳۰ - ۱۳۱.

۲- اسلام در ایران، پتروشفسکی، ترجمه: کریم کشاورز، (تهران: انتشارات پیام، چاپ هفتم، ۱۳۶۳)، صص ۳۶.

۳- محمد فی المدینة، مونتگمری وات، تعریب: شعبان برکات، (ط: منشورات المكتبة العصرية، صیدا، بیروت)، صص ۵۰۱ - ۵۰۲، ۵۰۴ و ۵۰۶.

نتیجه پایانی

ازدواج‌های متعدد پیامبر اکرم ﷺ در جهت مصلحت و بدون قصد شهوت جنسی بوده است و دانشمندان مسلمان و همچنین خاورشناسان و اسلام‌شناسان غربی با بررسی‌هایی که داشته‌اند به این مطلب مهم تصریح کرده و صحه گذاشته‌اند و مجالی برای یاوه‌گوییان مغرض باقی نگذاشته‌اند.
